

موج تازه نسل کشی در افغانستان

به اهتمام: سروش

ناشر: khoroshrad.org

اپریل ۲۰۲۲

موج تازه نسل کشی در افغانستان

یکم - مقدمه:

این روزها به ادامه گذشته، مادر میهن شاهد ریختن خون و تکه پاره شدن فرزندانش بوده و عزادار است. دلیلش این است که طی چند روز اخیر موجی تازه از خون و خشونت پیه خفاشان و خون آشامان صدها خانواده را به ماتم نشانده است.

باز هم مردم به خون خفته ما در غم و ماتم فرزندان شان به جرم انسان بودن و یا داشتن عقاید و تعلق خونی - قومی خاص، در کابل، مزارشریف، قندوز، بغلان، ننگرهار و سائر شهرها، نشستند. این رویداد های خونین اخیر در کشور با هدف حمله بر اهداف معین انسانی به دلائل گروهی، نژادی، قومی، مذهبی یا ایدئولوژیکی از مصادیق «نسل کشی» یا (Genocide) است.

برای وضاحت مزید مسأله به خوانندگان محترم، در این نگاشته از منظر حقوق بین الملل و به استناد اسناد "سازمان ملل متحد" می بینیم که اشکال و موارد نقض حقوق بشر کدام ها اند و از آن میان، «نسل کشی» چیست و چه تعریفی دارد.

در حقوق بین الملل، موارد ذیل نقض حقوق بشر به مرور ایام تعریف و مستند سازی شده است:

الف: نسل کشی؛

ب: جنایت علیه بشریت؛

ج: جنایت جنگی؛

د: جنایت علیه صلح

ه: کشتار عمومی یا قتل عام.

الف - نسل کشی:

سه سال پس از پایان جنگ دوم جهانی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیانیه ای را به تاریخ ۹ دسمبر ۱۹۴۸ تصویب کرده و بدین ترتیب بیانیه سازمان ملل متحد و ضمیمه پیرامون «جلوگیری و مجازات جرم نسل کشی» شکل گرفت.

طبق این نهاد، "هر گونه اقدام و مبادرت به نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی اعم از نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیک؛ «نسل کشی» گفته می شود. بند دوم این بیانیه تصریح می کند که هر گونه اقدام به نابودی کل یک گروه نژادی، ملی، مذهبی مانند کشتار دسته جمعی یک گروه خاص، ایجاد لطمات روانی و جسمانی بر یک گروه ویژه، ضربه زدن عمدی به افراد یک گروه خاص، تحمیل

معیار هائی برای جلوگیری از تولد فرزندان آن‌ها، جا به جایی اجباری فرزندان گروه‌ها به یکدیگر، طرح ریزی برای آسیب رساندن به گروهی خاص و غیره، همه از مصادیق بارز نسل‌کشی می‌باشند.

"در قرارداد فعلی مفهوم کلمه «نسل‌کشی» یا (Genocide) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا بخشی از گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار:

۱. قتل اعضاء آن گروه؛

۲. صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی افراد آن گروه؛

۳. قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.

۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل آن گروه صورت گیرد؛

۵. انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر".

موارد نسل‌کشی در کشور ما افغانستان عبارت‌اند از کشتار هزاره‌ها توسط اداره امیر عبدالرحمن خان؛ پائین کردن ۲۷ تن از مسافران هزاره از بس در مسیر راه کابل - قندهار از میان مسافران توسط گروه طالبان به زور سلاح و قتل عام آنها در ولایت غزنی، هم مصداق نسل‌کشی محسوب می‌شود، هم مصداق جنایت جنگی؛ کشتار افراد نظامی و غیرنظامی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان توسط تنظیم‌های اخوانی و به ویژه به دستور مستقیم احمد شاه مسعود جلاد و ذبیح الله معدوم در پنجشیر، شولگره، کوه صافی و نهرین و قتل سائر روشنفکران انقلابی به دلیل ایدئولوژیک و سائر موارد... از مصادیق بارز نسل‌کشی است. کشته شدن ۷۵۰۰۰ کابلی توسط گروه‌های جنگی مجاهد و ملیشیا و ویرانی کابل توسط گروه‌های جنگی مجاهد و ملیشیا دوستمی در دهه نود میلادی، هم نسل‌کشی است و هم جنایت جنگی است. ریختن خروارها بمب بر سر اهداف غیر نظامی نظیر شفاخانه‌ها، قصبات و اماکن عمومی و تجمعات غیرنظامی توسط اشغالگران روسی و امریکائی - ناتوئی، و سنگر گرفتن طالبان در خانه‌های مردم و مساجد در گذشته در قندوز، غزنی و هلمند؛ جنایت بارز جنگی شمرده می‌شود. قتل سه هزار طالب پشتون قندهاری اسیر در دشت لیلی توسط ملیشیا تحت رهبری رشید دوستم، به دلیل پشتون و طالب بودن شان، نسل‌کشی است و به دلیل اسیر بودن آنها، جنایت جنگی محسوب می‌شود. در سطح جهان برخورد فاشیستی و تصفیه‌های خونین کومینگ تانگ در برابر کمونیست‌ها در حدود سال‌های ۱۹۲۸ در چین، تصفیه و کشتار هزاران نفری کمونیست‌های اندونیزیا و به دریا انداختن اجساد توسط رژیم دیکتاتوری مورد حمایت امپریالیسم امریکا و شرکاء، زندانی ساختن و کشتار کمونیست‌های کشور چیلی به دلیل ایدئولوژیک (کمونیست بودن) توسط رژیم دیکتاتوری و شخص دیکتاتور پینوشه مورد حمایت امپریالیسم امریکا در کشور چیلی و غیره، از موارد نسل‌کشی است.

ب: جنایت علیه بشریت:

عبارت است از انجام هر یک از اعمال ذیل به عنوان بخشی از یک حمله علیه گروهی غیرنظامی که به شکل گسترده یا سازمانیافته صورت بگیرد، با اطلاع از حمله: الف) قتل؛ ب) نابود سازی؛ ج) برده سازی؛ د) اخراج یا انتقال اجباری جمعیت؛ ه) محبوس ساختن یا دیگر شکل های محرومیت شدید از آزادی جسمی که ناقض مفاد اساسی حقوق بین الملل باشد؛ و) شکنجه؛ ز) تجاوز جنسی، برده کشی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح؛ ح) آزار و تعقیب یک گروه یا جمعیت مشخص به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، به شرحی که در بند ۳ مشخص گردیده، یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این دیوان باشد، به عنوان یک عمل غیرمجاز به رسمیت شناخته شده باشد؛ ط) ناپدید شدن اجباری افراد؛ ی) جنایت نژاد پرستی؛ ک) دیگر اعمال غیر انسانی با خصوصیات مشابه که به قصد وارد آوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب رساندن جدی به بدن، یا سلامت جسمی یا روانی افراد صورت گیرد. موارد مرتکب شده جنایت علیه بشریت عبارت اند از سیاست و اقدامات سیستماتیک فاشیسم و نازیسم در ایتالیا، المان، جاپان و رژیم نژاد پرست با سایست اپارتایدش در کشور افریقای جنوبی و اقدامات و کشتار سیستماتیک «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» شامل هر دو جناح «خلق» و «پرچم» آن حزب، برخی از اقدامات جهادی ها، ملیشیا و رفتار تاکنونی طالبان و جنگسالاران در موارد ماده های الف، ب، چ، د، ه، و، ز، ح، ط پاراگراف بالا؛ از موارد «جنایت علیه بشریت» و «نسل کشی» محسوب می شود.

ج: جنایت جنگی:

جنایات جنگی را نقض قوانین و آداب و رسوم جنگی می دانند که شامل و البته نه محدود به قتل، برخورد ناشایست یا اخراج اهالی ملکی مناطق اشغال شده به منظور گماشتن به کار های برده واران یا به هر منظور دیگری، قتل یا برخورد ناشایست با اسرای جنگی یا اشخاص اسیر شده، کشتار گروگان ها، غارت ملکیت های شخصی، ویرانی عمدی شهر ها و روستا ها در صورتی که نیاز نظامی قابل توجیه وجود نداشته باشد، است. دیدبان حقوق بشر «هدف قرار دادن عمدی شهروندان غیرنظامی» را در طی یک جنگ، جنایت جنگی می داند. در کشور ما افغانستان اشغالگران شوروی و امریکائی - ناتوئی و شرکاء، خلقی و پرچمی ها، ملیشیای دوستمی و اسلامیت های جهادی تنظیمی، طالبی و داعشی و افراد زورمند و جنگ سالار و نیرو های نظامی - امنیتی شان به کرات جنایت جنگی از نوع پیشگفته را مرتکب شده اند که تا هنوز لاینحل مانده است.

در جریان دو ماه اخیر یک مورد از "جنایت جنگی" را توسط یک تن "خادیس" و "پرچمی" به اسم "عبدالرزاق عریف" و حکم محکمه در موردش در کشور هالند را مبنی بر ۱۲ سال حبس تنفیذی شاهد بودیم.

د: جنایت علیه صلح:

عبارت است از هر گونه برنامه ریزی، آماده سازی، آغاز یا راه اندازی جنگ های تجاوزکارانه، یا جنگی با نقض معاهدات، توافقنامه ها یا تضمین های بین المللی، یا شرکت در یک طرح یا توطئه مشترک برای تحقق هر یک از این نتایج است. طبق این تعریف، جنگ های تجاوزکارانه استعماری و سپس امپریالیستی و ارتجاعی در آسیا، آفریقا، امریکای لاتین و اروپا و "برنامه ریزی، آماده سازی، آغاز یا راه اندازی جنگ های تجاوزکارانه" توسط امپریالیست های شوروی و سازمان ناتو به رهبری امپریالیسم امریکا در کشور ما، از موارد "جنایت علیه صلح" اند.

یورش لجام گسیخته مزدوران فاشیست طالبان از ورای سرحد و با "برنامه ریزی، آماده سازی، آغاز یا راه اندازی جنگ های تجاوزکارانه" به افغانستان در ادامه جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی، توسط امپریالیست های شکست خورده امریکا، شرکای ناتوی و برخی دول منطقه مثل پاکستان، قطر، ترکیه و در پوشش ابزار جنگ نیابتی و پروژه نواستعماری طالبان و با مدیریت نظامیان پاکستانی، در ردیف جنایت علیه صلح جای می گیرد.

ه: کشتار عمومی یا قتل عام:

کشتار جمعی یا کشتار دسته جمعی یا قتل عام به عمل قتل و کشتار دسته جمعی از حیوانات یا از انسان و جز آن اطلاق می شود. کشتار های جمعی ممکن است توسط افراد یا حتی توسط سازمان ها انجام شود. این کشتار ها همچنین می تواند شامل قتل تعداد زیادی از شهروندان توسط دولت های محلی و مأموران آنها باشد. تیراندازی به معترضان غیرمسلح، پرتاب نارنجک به درون زندان ها و اعدام تصادفی شهروندان غیرنظامی نیز از موارد کشتار جمعی محسوب می شود. بزرگ ترین کشتار های جمعی تاریخ تلاش برای نابودی گروهی از مردم و جوامع بر اساس قومیت و مذهب بوده است (جنگ های صلیبی و جنگ صهیونیسم علیه فلسطینیان) که بعضی از این کشتارها با عنوان "نسل کشی" و بقیه با نام "جنایت علیه بشریت" شناخته می شود و مصداق آن در مثال های بالا موجود است. (تعاریف و توضیحات به استناد دانشنامه آزاد و منشور سازمان ملل)

دوم - موج نسل کشی تازه در افغانستان:

بیش از چهار دهه می شود که تمامی اشکال نقض حقوق بشر مطرح شده در بخش اول، در افغانستان به طور عمده و اساسی توسط اشغالگران بیرونی و دار و دسته های بومی "خلقی - پرچمی"، افراطیون اسلامی مرتجع و اجیر از قبیل جهادی ها، طالبان و داعشیان، دستگاه های دولتی و نیرو های نظامی و شبه نظامی مربوط این گروه ها و اداره ها به اضافه برخی از افراد شیفته قدرت و رهروان کاذب راه انقلاب و آزادیخواهی؛ به طور سیستماتیک و انفرادی اتفاق افتاده و اعمال شده است. در این دوسیه قطور داستانی دردناک، غم انگیز و چند پهلو از نقض حقوق بشر از ۷ ثور سال ۱۳۵۷ تا همین امروز (۸ ثور ۱۴۰۱ ش) طی ۴۴ سال آزرگار بی وقفه ادامه داشته و هنوز هم سر به مهر مانده و با گذشت هر روز بر حجم آن افزوده می شود.

پس از عزل غنی پوشالی فراری، فروپاشی ارکان دولت مزدور پوشالی تر از غنی خائن و نصب نظام دار و تازیانه طالبی، نودولتان مدعی شدند که در شهر ارواح برای چند هفته ای در سراسر افغانستان امنیت و آرامش توسط طالب پنجابی به وجود آمده است. اما پس از چهار صبحی، آتشفشان خشم زنان به بند کشیده شده و گرسنان از زیر پای نودولتان طالبی دهانه گشوده و آن ادعای دروغین امنیت و آرامش در شهر گرسنگان را بی مصرف ساخت.

اینک امپریالیسم جنایت گستر با آهنگ دیگر از میان قاتلان خلق افغانستان، سر و کله برادران تنی مجاهد و طالب را با بیرق سیاه و با عین کلمه الله به نام «داعش» بیرون داد. طی روز های اخیر موجی از تروریسم و خون و خشونت در ولایت های کابل، قندوز، بلخ، بغلان، سمنگان و... فرزندان خلق پا برهنه ما را به دلیل تعلق قومی - مذهبی هدف گرفته و از حیات ساقط ساخت. بر طبق تعاریف حقوقی در بخش نخست این نوشته، این نوع کشتار گروهی در ردیف "نسل کشی" قرار می گیرد. عامل یا عاملان و سازماندهان این کشتار خواه "داعشی" باشند، یا "طالبی" و یا جنگ "خادم حرمین شریفین" با "کفتار جماران" باشد؛ یا بازتابی از تشنج افزائی امپریالیسم امریکا در منطقه آسیای میانه و در بغل گوش پوتین و برای زمینه سازی به گشودن جبهه تازه ای در شرق علیه روسیه؛ در نتیجه و نفس عمل فرقی نمی کند. جنایت، جنایت است.

امپریالیسم و جنایتکاران اسلامی داعشی در تباری با جنایتکاران حکومتی طالبانی مصروف انسان کشی و قتل عام خلق بی گناه ما در معابد و مساجد، در مکاتب و اماکن عمومی غیرنظامی بوده و خلق عذاب دیده و اسیر ما را به فاصله دو روز به ماتم نشانندند.

با آن که مثنی مزدور و دست پرورده تا دیروز به نام طالب سلاح استعمار را بر شانه انداخته بودند و کوچه به کوچه، قریه به قریه شهر به شهر مصروف سلاخی، اخاذی، آزار و اذیت، شکنجه، به اسارت بردن زن و مرد، طفل و جوان پیر مردم مظلوم ما بودند و هر روز با اجرای احکام شرع محمدی شان مردم ما را در

ذبحگاه سر می زدند، به مال و جان شان تجاوز و از خود هیچ اختیاری نداشتند. حال همین مزدوران طالبی به دستور همان اربابان در نقش پروژه نواستعماری امپریالیسم و ارتجاع منطقه بر طبق موافقتنامه ساخته و پرداخته سردمداران ایالات متحده آمریکا چنین بیعت نموده و تعهد سپرده اند تا سر از تن هر معلمی، دانش آموزی، استادی، روشنگری، آزادیخواهی، وطن دوستی، مبارزی، خواهری، مادری که برای حقوق حقه انسانی خود و مظلومان هموطنش می تپد؛ سر از تنش جدا کنند و به تحقق اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا همدست با "داعش" و یا هم به نام "داعش" سیاست و رویکرد "نسل کشی"، مردم ما را به نام های دین، مذهب، زبان، سمت، قومیت، باور ایدئولوژیک یا سیاسی در عین دشمنی با نیم بشریت و ستیز با دانش و فرهنگ، از حیات ساقط سازند. این برنامه ها و حربه ها، برای استخوان شکنی میان اقوام برادر کشور، درگیر ساختن مردم ما با موانع و مشکلات زندگی و مجال ندادن به آنان برای اندیشیدن جمعی در مورد مقدرات مشترک ملی و اجتماعی شان و چاپیدن منابع کشور و حاصل دسترنج خلق زحمتکش، توسط اربابان بیرونی طالب و داعش طراحی شده به کار گرفته می شود.

بلی، امپریالیسم جهانخوار آمریکا و شرکاء با ایجاد رعب و وحشت بین توده های ستمدیده ما، تلاش دارند تا رسیدن به آسیای میانه برای تشنج افزائی و نقش آفرینی براندازنده در درازمدت، برای این گروهک جنایتکار خود جای پای در شمال و در فرارود باز کنند. در این میان رسانه های مدافع استعمار، مخصوصاً تلویزیون های خصوصی با تبلیغات گسترده کوشش دارند تا این مولود امپریالیسم آمریکا و انگلیس را دشمن آمریکا وانمود ساخته و به بهانه واهی جنگ علیه داعش، جنگ غارتگرانه امپریالیستی را در منطقه توسعه و در افغانستان توجیه و تشدید کنند.

از تبلیغات وسیع برای ظهور «داعش» که پیوند تنی با طالب دارد و هر دو از یک آبشخور نشخوار می کنند و کارد و شمشیر شان یکسان به جان زحمتکشان و پا برهنگان خلق مظلوم ما تیز است؛ و هر دو از یک افیون ایدئولوژیک برای تخدیر زحمتکشان بهره می گیرند، گویا چنین برمی آید که پروژه «طالبان» هنوز جا نیافتاده، رو به زوال است. قرار امپریالیسم آمریکا بر آن است تا از همین اکنون "بدیل" تروریسم و خون و خشونت طالب را در وجود داعش، روی میز سازمان های استخباراتی - نظامی خود داشته باشد تا در صورت نوسان طالبان به سوی "دشمن" و یا در مورد مقتضی دیگر ...، از آن بدیل کار بگیرد.

آری، از همان بدو امر، امپریالیسم ایالات متحده آمریکا در دو نوبت با نصب جلادان و سلاخان مردم افغانستان به نام "طالبان" در ارگ مزدوران قبلی خود در شمائل "امارت اسلامی"، خواست تا با رشد دُمَل وار نازیسم "طالبانی و داعشی"، تحرکات این باندهای تبهکار آدمکش با ایدئولوژی هول انگیز فاشیستی در سطح رهبری کشور اسیر ما، برای غارت و چپاول ثروت های ملل و خلق های تحت ستم منطقه و رسیدن به منافع آزمندانانه اش سمت و سو بخشیده و کنترل کند. این ابر جنایتکار زمان با تلاش های مستمر

برای بازنگری در جنگ نیابتی طی بیست اشغال افغانستان کوشید با روش اشغالگری نظامی مستقیم و ترویج و راه اندازی موج ترور در شرق میانه - آسیای میانه - شمال افریقا در همکاری با متحدان ناتوی اش برای استقرار «نظم جدید جهانی» تا حدودی فاشیسم مذهبی و شوونیسم قومی - جنسیتی فاشیست های اسلامیت نظیر گروه های القاعده، مجاهدین، طالبان، داعش، النصر و... به مثابه ابزار سرکوبگری، استفاده بهینه را کرد. پیامد این موج ترور اسلامی راه انداخته شده توسط امپریالیسم و ارتجاع منطقه را اینک مردم منطقه در مجموع شاهد اند و مردم زجر دیده افغانستان به طور خاص، در وجود "امارت اسلامی" طالب، راه و روش فاشیستی، شوونیستی، به بند کشیدن زنان یک ملت، تبعیض جنسیتی و تصفیة قومی و "نسل کشی" توسط طالب و داعش، شاهد بوده و زنان و مردان تحت ستم کشور ما سنگینی آن را بر دوش خسته و زخمی خویش حس می کنند.

ما داد و فریاد زدیم که این غول پیکران برای نجات مردم افغانستان در میدان هوایی کابل با آمدن طالبان نه، بل برای نقل و انتقالات داعش در افغانستان است. میدان هوایی کابل طی ده روز کامل با هواپیما های غول پیکر تنها افغان های جاسوس را بر نمی دارد، بلکی داعش را از سوریه، عراق و سایر ممالک عربی به افغانستان آورده و جا به جا می کنند. پیام ها، هشدار ها و اعلامیه ها از طریق رسانه های مردمی و انقلابی "خروش رعد" و "پورتال افغانستان آزاد" بار بار به سمع مردم مظلوم ما رسانیده شده است و اینک امروز شاهد سلاخی بیش از صد ها تن در ظرف دو روز از طفلان، دانش آموزان، مردان، زنان در مکاتب غرب شهر کابل، در معابد و مساجد شهر های قندوز، بغلان و مزار، در مسیر راه سمنگان - مزار و... بودیم و من بعد نیز خواهیم بود. طبق گزارشات مردم ما که طالبان جانی مانع خبر رسانی می شوند، روز پنجشنبه اول ثور ۱۴۰۱ بیش از چهل نمازگزار در یک مسجد شیعیان در شهر مزار شریف کشته شدند و بیش از صد نفر دیگر زخمی شدند. گروه و باند تبهکار پرورش یافته امپریالیسم - داعش - که به دستور اربابان امریکائی و عرب مردم ما را در شکل "نسل کشی" قتل عام می کند، در اصل همین حاکمیت دار و تازیانه طالبی به نام داعش مسؤولیت این حمله و همچنین بمبگذاری دیگری در شهر قندوز را بر عهده گرفت که در آن ۴ نفر کشته شدند. در گذشته نام گروه داعش، علاوه از تروریسم خود این گروه، "اسم مستعار" نهاد های سرکوبگر و تروریست دولت خیانت ملی غنی - عبدالله بود و اینک در پاره ای از موارد به "اسم مستعار" طالبان و "امارت اسلامی" آن مبدل شده است.

سگان هار امپریالیسم امریکا با بیرق امارت اسلامی خود چنان به قید و بند، شلاق زدن، دار زدن، سر زدن، آدمربائی و ناپدید ساختن، جسد تحویل دادن به خانواده ها، شکنجه، تبعیض، تحقیر، توهین، رعب، وحشت و بربریت در حق مردم ماتم زده ما مشغول اند.

مردم افغانستان به تجربه دریافته اند که سگ های هار، آدمکش و جانی که طی چهل و چهار سال تمام خلق ما را زندانی، شکنجه، ناپدید و سر به نیست کرده و گور های دسته جمعی پیدا و پنهان از قربایان خویش ساخته اند؛ سرشت همه شان شان یکی است. از جلادان و میهن فروشان "حلقی - پرچمی" و ملیشای دوستمی ساخت سوسیال امپریالیسم شوروی تا مجاهد، طالب و داعش - این مزدوران و مولود های امپریالیسم غرب، همه در نقش جاده صاف کن و دلال امپریالیسم متجاوز و قاتلان و ستمگران بومی خلق، بدون استثناء در خدمت اهداف پلید استعماری امپریالیست های شرق و غرب بوده و در نقش جاسوس و راه بلد؛ راه را برای نیرو های اشغالگر و استعمارگر بیرونی هموار کرده و می کنند.

طی این ۴۴ سال تمام، همه اشکال ستم و جنایت و نقض حقوق بشر اعم از آدم کشی، حمله بر اهداف نظامی، پائین کردن برخی مسافران از میان سائر مسافران از موتر به جرم تعلق به یک ملیت و مذهب خاص (هزاره - شیعه) یا داشتن تعلق ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی به یک تشکل خاصی مثل "ساما"، "حزب اسلامی گلبدین" و به رگبار بستن آنان در اسارت، "نسل کشی" و "جنایت جنگی" است. آدمربائی و کودک ربائی در هر شکل آن، صرف نظر از عامل و یا انگیزه سیاسی و اقتصادی آدمربایان، صاف و ساده "جنایت جنگی" است و خود آدم ربایان با هر آرایش و پیرایشی، "جنایتکاران جنگی" محسوب می شوند. امروز آن چه که از این خون و خشونت بر خلق تحت ستم و استثمار ما می گذرد، به طور عام به نتیجه انتقال توطئه گرانه قدرت به طالبان در پانزدهم اگست ۲۰۲۱ و تروریسم و مرتجع پروری امپریالیست های هزیمت یافته آمریکا - ناتو در افغانستان مرتبط است، ولی به طور خاص، به نقل و انتقالات از میدان هوایی کابل، که تعدادی از جانیان بیشتری را به نام داعشی از سوریه، عراق، لیبیا و سائر کشور های خاور میانه که در خدمت سیاست های چپاولگرانه آمریکا سر می زدند، می کشتند و غارت می کردند؛ و در عراق در مورد "ایزدی ها"، "نسل کشی" کردند و تمدن "پالمیرا" را نابود کردند؛ را به افغانستان انتقال دادند.

راه انداختن موج های پی هم ترور و خشونت تا سرحد ارتکاب آشکار جنایت جنگی، کشتار غیرنظامیان و نسل کشی برای ارباب مردم و نابودی اراده و مقاومت احتمالی آنها و یا حمایت دولت ها از آن، از حربه ها و شیوه های رایج امپریالیسم و نیرو های سیاسی راست افراطی و طبقات حاکم مرتجع و دولت های ارتجاعی و استبدادی این طبقات و نیرو های کهن در جامعه است. این راه و روش بخشی از هویت؛ ذات و عملکرد این نیرو های کهن فرسوده را می سازد. امپریالیست های انگلیس، آمریکا، فرانسه، جاپان، المان و سوسیال امپریالیسم معدوم و فعلاً امپریالیست های روسیه و چین یا این موج ها را به راه انداخته و یا از آن در کشور های مورد تاخت و تاز شان، حمایت کرده اند. جلادان و میهن فروشان بومی "حلقی - پرچمی"، مجاهدین، طالبان و داعش علیه مردم شان و علیه یکدیگر و برای ویرانی کشور از این راه و روش

به طور وسیع استفاده کرده و مرتکب نقض گسترده حقوق بشر از جمله "جنایت جنگی"، "نسل کشی"، "قتل عام"، "جنایت علیه بشریت" و "جنایت علیه صلح" شده اند.

اگر این سیاست اعمال ستم و استثمار بر ستمکشان و اشکال فوق الذکر نقض حقوق بشر، بخشی از کراکتر طبقاتی و اقتضای منافع امپریالیسم و دار دسته های هار ارتجاع اسلامی افراطی و به خصوص طالبان حاکم و داعشیان هول انگیز است؛ پس رهائی خلق تحت ستم و استثمار و تبعیض نیز، ساقط ساختن این نیرو های بومی از قدرت و کوتاه کردن دست حامیان بیرونی امپریالیست و مرتجع بیرونی این نیرو های ویرانگر و فوق ارتجاعی است. وظیفه کنونی نیروهای مترقی پیشرو و آزادیخواه کشور هم، تدارک برای بیداری، انسجام، بسیج و به پا خاستن ستمکشان کشور برای رهائی و پایان دادن به ستم و جنایت و سلطه زورگویی و ستمگر امپریالیسم و ارتجاع بومی، فعلاً طالبان حاکم، است.

آگاهی، انسجام، بسیج و به پا خاستن، وثیقه رهائی است!